

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دعای سی و دوم

دعای آن حضرت بعد از فراق از نماز شب

ای خدای عالم، ای دارای ملک پاینده‌ی ابدی و ای سلطان مقتدر بدون هیچ سپاه و بی‌نیاز از هر معین و ای عزت پایدار و بی‌زوال و بی‌نهایت، اولیتش بی‌حد و آخریتش بی‌انتهاست، فرمانرواییات چنان غالب است که محدود به آغاز و پایان نیست و پادشاهی‌ات چنان بلند پایه است که همه چیز از رسیدن به کنه آن فرو مانده است و منتهای توصیف واصفان به نازل‌ترین مرتبه‌ای از آن رفعت که به خود اختصاص داده‌ای نمی‌رسد، در مقام معرفت هر وصف و مدحی به گمراهی و حیرانی می‌کشد و هر نعت و تعریف دون بلوغ توصیف حضرتت ناچیز و باطل است، لطیف‌ترین قوای ادراکی در مقام کبریایی‌ات حیران و سرگردان‌اند، تو ای خدای ازلی، در ازلیت چنین بوده‌ای و جاودان و بی‌زوال بر این منوال خواهی بود و ما از توصیفش عاجزیم (تعالی الله عما یصفه الواصفون علواً «کبیراً») و من آن بنده‌ی ناتوان تو می‌باشم که عملم ضعیف و ناچیز است و امید و آرزویم بسی بزرگ و جسیم اسباب وصول از دست من بیرون است مگر آنچه را که رحمتت به دست دهد، و زنجیره‌های امید از من بریده مگر آنچه به وسیله‌ی عفو و بخششت بدان چنگ زده‌ام، طاعتی که به شمار آورم اندک و معصیتی که به آن اقرار کنم بسیار است و درگذشتن از بنده‌ات بر تو دشوار نیست، اگرچه بد کرده باشد، پس از من درگذر.

بار الها علم تو بر کارهای نهانی واقف است و هر پوشیده‌ای در مقابل آگاهی‌ات آشکار و دقیق امور از نظرت مخفی نیست و رازهای نهانی از تو پنهان نمی‌ماند و ای خدا دشمنت ابلیس سخت بر من مسلط گردیده و همان دشمنی که برای گمراه کردن من از تو مهلت طلبیده و تو مهلتش دادی و برای منحرف کردن من تا روز قیامت از تو فرصت خواسته و تو فرصتش دادی، پس او مرا بر زمین زد درحالی‌که من به سوی تو از گناهان کوچک هلاک کننده و معصیت‌های بزرگ کشنده می‌گریزم، آنگاه که مرا به معصیت

درافکند و بدان کرده‌ی بد سخط و قهر و غضب تو مستوجبم ساخت، روی مکر و فرییش را از من بگردانید و با گستاخی مرا دعوت به کلمه‌ی کفر خود نمود و از من و عملم تبری جست و به من پشت کرد و گریخت و مرا تنها با خشم و غضبت واگذارد و در پیشگاه قهر و انتقامت درافکند، نه شفיעی که به درگاهت مرا شفاعت کند و نه معینی که بر قهر تو مرا ایمنی بخشد و نه حصنی که در آن از خشم پنهان شوم و نه پناهی که از عذابت به آنجا پناه برم، این است حال کسی که به درگاه تو پناه می‌آورد و به گناه خود اعتراف می‌کند، پس ای خدا فضل و رحمت واسعیت را از من دریغ مدار و رشته‌ی عفو و رحمتت که بر همه رسا و فراگیر است بر من کوتاه مفرما و مرا محروم‌ترین بنده‌ای که به درگاهت به توبه و ندامت باز آمده قرار مده و ناامیدترین کسی که با امید بر تو وارد شده مگردان و مغفرت و آمرزشت را شامل حام ساز که همانا تو بهترین آمرزندگان.

بار الها تو مرا فرمان دادی و من آن را فرو گذاشتم و مرا نهی نمودی ولی من مرتکب شدم و اندیشه‌ی زشت و پلید، گناه را در نظرم آراست پس تقصیر کردم، نه روزی را به روزه گرفتن گواه می‌گیرم و نه شبی را به تهجد و قیام به درگاه رحمت پناه جستم (چون که روزه تهجدم ناچیز بوده) و نه به احیای سنت الهی پرداختم تا بقای آن سنت موجب سعادت من گردد، حاشا که هر کس جانب احترام فرایض و واجبات احکامت را فرو گذارد هلاک خواهد شد و من آن نیستم که به سبب کثرت نوافل و کارهای مستحبی به سویت متوسل شوم در صورتی که از بسیاری از واجبات و فرایض غفلت نمودم و از مقام حدود تو پا فراتر گذاشته پرده‌های حرمت‌ها را دریدم و گناهان بزرگ مرتکب شدم که تنها عفو و کرمیت فضیحت و رسوایی‌هایم را پرده پوشی کرد و این حال من حال کسی است که از شرمساری بر نفس خویش خشمگین شده و از تو خشنود گشته، پس با دلی خاشع و گردنی خاضع و پشتی خمیده از خطاهای گرانبار، پیش تو آمده درحالی که بین بیم و امید به پا ایستاده، و تو شایسته‌ترین کسی هستی که خلقت به او امیدوار و از قهر و غضبت در هراس باشند.

پروردگارا آنچه را به آن امیدوارم به من عطا کن و از آنچه می‌ترسم مرا ایمن ساز و رحمت را شامل حالم بگردان زیرا که تو کریم‌ترین کسی هستی که از او درخواست شود، بار الها اکنون که مرا با پرده‌ی عفو خود مستور ساختی و مشمول فضل خویش در این جهان فانی نمودی و به حضور امثال و اقرانم مفتضح و رسوا نساختی، پس کرم فرما و هم از فضیحت و رسوایی‌های سرای باقی مرا پناه بخش در آن موقف که فرشتگان مقرب و پیامبران گرامی و شهداء و صالحین همه گواه و شاهد اعمال من می‌باشند و بندگان نیکوکار از همسایه‌ای که بدی‌هایم را از او پنهان می‌داشتم و از خویشاوندانی که در کارهای پنهانی خود، من به رازپوشی آنان اطمینان نداشتم، ولی به آمرزش تو اطمینان کامل دارم، و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شود و بخشنده‌ترین کسی هستی که به او روی آورده شود و مهربان‌ترین کسی هستی که مهرش خواسته شود.

بار الها تو مرا به صورت آبی بی‌مقدار از پستی که استخوان‌هایش در هم فشرده و راه‌هایش تنگ است، به تنگنای رحم که آن را به پرده‌ها پوشیده‌ای سرازیر کردی، درحالی‌که مرا از حالی به حال دیگر می‌گرداندی تا آنگاه که به کمال صورت رساندی و اعضاء را در پیکر من برقرار کردی، همان‌گونه که در کتابت توصیف نمودی، نخست نطفه سپس علقه و آنگاه مضغه، سپس استخوان‌بندی، بعد استخوان‌ها را به گوشت پوشاندی، آنگاه مرا چنانکه خواستی به مرحله‌ی دیگری از آفرینش درآوردی تا چون به رزق تو نیازمند شدم و از فضل و احسانت بی‌نیاز نبودم، قوتی از مازاد خوردنی و آشامیدنی کنیزت (همان مادرم) که مرا در اندرون او جا دادی و در نهاد رحمش ودیعت نهادی تعیین کردی و اگر مرا، ای پروردگار من، در این احوال به تدبیر خودم وا می‌گذاشتی و یا به نیروی خود مضطر می‌ساختی هر آینه تدبیر از من برکنار، نیرو از من دور می‌بود، پس مرا به فضل خود همچون مهربانی غذا دادی و آن همه لطف را از روی تفضل بر من (از نخست خلقتم تا به حال) بوده و همچنان درباره‌ام بجا می‌آوری، هیچ‌گاه از خیرت محروم نمی‌گردم و حسن انعامت درباره‌ام به تعویق نمی‌افتد و با وجود این اطمینانم به تو محکم نمی‌شود تا کوشش خود را در کاری که نزد تو برایم مفید است مصروف دارم، شیطان افسار مرا در بدبینی و ضعف یقین به دست گرفته، از این رو از

بد رفتاری او و پیروی نفسم از او شکایت دارم و از تسلط او به تو پناه می‌برم و از تو می‌خواهم که برای تحصیل روزیم راهی آسان فراهم سازی، پس سپاس تو را بر آنکه نعمت‌های بزرگ را آغاز کردی و شکر احسان و انعام را الهام فرمودی پس بر محمد و آل محمد درود فرست و روزیم را بر من سهل و آسان ساز و مرا به آنچه برایم مقرر داشتی قانع ساز و به سهم و نصیبی که برایم قسمت فرمودی خشنود گردان و آنچه از جسمم کاسته و از عمرم گذشته همه را در راه اطاعت خود محسوب دار که تو بهترین روزی دهندگانی.

بار الها من همانا به درگاه رحمتت پناه می‌برم از آتشی که به وسیله‌ی آن بر اهل عصیان سخت‌گیری کرده‌ای و هر که از رضای تو رو گردانیده است وعده‌ی عذاب داده‌ای، از آن آتشی که روشنایی‌اش عین ظلمت و ملایمش دردناک و دورش نزدیک است و از آتشی که برخی از شعله‌هایش برخی دیگر را می‌خورد و بخشی بر بخش دیگر حمله‌ور می‌شود و از آتشی که استخوان‌ها را می‌پوساند (سوخته و خاکستر می‌کند) و ساکنین خود را از آب جوش (حمیم) می‌آشاماند و از آتشی که به زاری و تضرع دوزخیان اعتنایی نمی‌کند و هر چه از او رحم و عطوفت طلبند ابداً ترخم نکند و از کسی که با خضوع و التماس تسلیم او شود قدرت تخفیف عذاب را ندارد، آتشی که ساکنین خود را با سوزنده‌ترین عقاب دردناک خود و سخت‌ترین مصیبت برخورد می‌کند و ای خدا به تو پناه می‌برم از کژدم‌های کام گشوده و مارهای دوزخ و دندان‌های زهرآلودشان و از آشامیدنیش که چون اهل دوزخ آن را بنوشند تمام امعاء و احشاء آن‌ها را پاره پاره می‌کند و دل‌هایشان را از جا بر می‌کند، ای خدا من از تو طریقی می‌طلبم (توفیق بر اعمال خیر و صلاح) که مرا از آن دور سازد.

بار الها بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به فضل و رحمت خود از آتش پناه ده و به حسن اغماضت از لغزش‌هایم درگذر و مرا خوار مساز ای بهترین پناه دهندگان که همانا تویی که از کار ناپسند و ناشایسته محفوظ می‌داری و نیکی عطا می‌کنی و هر چه بخواهی بجا می‌آوری و بر هر چیزی توانایی.

بار الها هر زمان كه نيكان ياد شوند بر محمد و آل محمد درود فرست و تا شب و روز در پس هم آيند بر آنان درود فرست، چنان درودی كه پايان نپذيرد و به شمارش نيايد، درودی كه هوا را پر كند و زمين و آسمان را فرا گيرد، خداوندا بر او درود فرست تا زمانی كه راضی شود و پس از آن كه راضی گردد، خداوندا درودی بر او و خاندانش فرست كه هيچ مرز و پايانی نداشته باشد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

اللهم عجل لوليک الفرج